



گرامی باداول ماه مه روز جهانی کارگران

یادمان شورش کارگران آمریکایی در ۴ ماه مه ۱۸۸۶ در شیکاگو فرارسیده است. از آن هنگام تاکنون همه ساله کارگران سراسر جهان اول ماه مه را برای طرح خواسته های مشترک خود برگزیده ، دست از کار می کشند. در این روز تاریخی ، کمونیستها، احزاب کارگری ، اتحادیه های کارگری و همه مدافعان طبقه کارگر به راهپیمائی و همایشهای خیابانی دست می زنند ، برعلیه سیستم جهانی سرمایه و استثمارگران فریاد سر می دهند.

در ایران علی رغم نقش طبقه کارگر در قیام ۱۳۵۷ و سرنگونی رژیم شاه امارژیم جمهوری اسلامی حاکم هیچگونه حقوقی را از کارگران به رسمیت نمی شناسد. رژیم دیکتاتوری - مذهبی حاکم تمام دستاوردهای دوران قیام بر علیه رژیم سلطنتی را از کارگران و عموم مردم ایران باز ستانده است. طی سالهای گذشته به نام کارگران قوانین ضد کارگری بسیاری تصویب و به اجرا درآورده اند. فشار و سرکوب دائمی در محیط های کارگری همچنان ادامه دارد و هنوز کارگران نمی توانند بطور آزادانه اول ماه مه را جشن بگیرند. در شرایط کنونی ، نه فقط طبقه کارگر بلکه معلمان، دانشگاهیان ، زنان و در یک کلام همه آزادیخواهان ایران در چنبره نظام واپسگرای اسلامی گرفتار آمده اند.

پس از روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی ایران به تدریج مصائب کارگران و کلیه اقشار جامعه نسبت به رژیم سابق گرانبار تر شده است. باوجود سرکوبهای پی درپی و خشونت های دائمی اما مردم در مقابل سیاست سرنیزه رژیم سر فرود نیاورده اند. تشدید اختلافات درونی رژیم و اوضاع نابسامان اقتصادی - اجتماعی امری نیست که دیگر رژیم بتواند آنرا کتمان کند. اختلافاتی که پس از انتخابات خردادماه سال گذشته علنی شد قدرت مطلقه رژیم را فروریخته است . حکومتی که اکنون به رهبری خامنه ای - احمدی نژاد سر کاراست ، باندی است از سپاه پاسداران ، عده ای اوباش و موجب بگیریانی که هیچ نقش برجسته ای در قیام باشکوه ۱۳۵۷ برعلیه رژیم دیکتاتوری شاه نداشتند. ترکیب حاکمیت کنونی به جز به منافع گروهی و تبهکارانه خود پای بند هیچگونه اصول و ضوابط دیگری نمی باشد. از اینرو برای سرنگونی این رژیم یک مبارزه توده ای انقلابی و فشاری بمراتب بیشتر از سال ۱۳۵۷ لازمست تا این رژیم ساقط شود.

کارگران مبارز، نیروهای انقلابی و مترقی

بعد از انتخابات خردادماه گذشته و برملاشدن عمق اختلافات و جنایتهای رژیم حاکم، تظاهرات و راه پیمائیهای قهرمانانه مردم این دستاورد عظیم را به ارمغان آورد تا آن مه تیره سالهای استبداد مذهبی پراکنده شود. طی این دوره رهبران هر دو جناح رژیم برای حذف یکدیگر از گردونه قدرت مجبورشدند تمایلات درونی و کردار ضد مردمی خودرا بیش از پیش آشکار سازند. افشاگریهای جناح مغلوب «اصلاح طلب» ثابت کرد که در دهه های گذشته چه جنایتها که بنام آزادی صورت نگرفته و چه عزیزانی که بخاطر باورهای آزادیخواهانه اشان به جوخه اعدام سپرده نشده اند. مبارزات بی وقفه و مطالبات عمومی مردم موجب شد تا جناح حاکم رژیم به رهبری خامنه ای نیز به دفاغ از قدرت مطلقه برخیزد. این جناح، مشارکت جناح «اصلاح طلب» در تمام دزدیها ، چپاولها و سرکوبهای گذشته را برملا ساخت و معلوم شد در سالهای گذشته برای سرکوب آزادیخواهان و خلقهای تحت ستم ایران هردو جناح دست در دست یکدیگر داشته اند .

کارگران مبارز

رژیم جمهوری اسلامی ایران با کمک دول امپریالیستی به قدرت رسیده است ، با کمک دول بزرگ سرمایه داری سرپا نگهداشته شده است و آنها هستند که هم اکنون بخاطر قراردادهای کلان اقتصادی حاضر نیستند این رژیم ساقط شود. باوجود افشاء اسناد جنایتهای بی شمار رژیم طی سه دهه گذشته ولی مجامع بین المللی و نهادهای حقوق بشر تاکنون از حد صدور یک بیانیه رسمی درسال و تقبیح نیم بند اعمال این رژیم فراتر نرفته اند. هیاهویی که بر سر اتمی شدن رژیم جمهوری اسلامی ایران به راه انداخته اند نه بخاطر منافع مردم ایران بلکه بخاطر منافع خودشان ، بویژه رژیم اسرائیل است که در مقابل جنبش آزادیخواهان فلسطین روز بروز ناتوان تر می شود.

بامروری هرچند کوتاه به سوابق عملکرد دول امپریالیستی در ایران بدون هیچ مبالغه ای ، اسناد تاریخی گواهی می دهد که از کودتای ۲۸ مرداد تاکنون هربار مردم ایران دست به حرکت آزادیخواهانه ای زده اند ، دولتهای غرب با استفاده از بلندگوهای تبلیغاتی خویش عده ای از دست نشاندگان خود ، عناصر وابسته و بی هویتی را بنام رهبران جنبش به توده های مردم تحمیل کرده اند. سناریویی که یکسال قبل از قیام ۱۳۵۷ به اجرا در آمد و موجب قدرت گیری خمینی شد هنوز از یاد نرفته است. در آن هنگام برطبق اراده دول امپریالیستی ، خمینی از عراق به فرانسه انتقال یافت و عده ای نیز از واشنگتن ، لندن ، پاریس و نیویورک و جمعی نیز از میان رژیم سلطنتی شاه بعنوان مشاوران و بعدها وزرای وی معرفی شدند. اکنون دوباره همان سناریو در حال تکمیل است .

افرادی که در رأس جنبش سبز قرار گرفته و خودرا پیشاپیش تظاهرات و مبارزات مردم ایران قرار داده اند، تماما

درزمره سرکوبگران سابق رژیم و از آمران اصلی جمهوری اسلامی ایران می باشند. اکنون باردیگر دستگاههای اطلاعاتی و جاسوسی غرب بکار افتاده است تا با بهره گیری از تلویزیون بی بی سی ، صدای آمریکا ، دههاتلوویزیون مشابه و صدهاسایت اینترنتی ترکیبی از سران رژیم ، عده ای از بریدگان سالهای گذشته اپوزیسیون، بخشی از خائنین و همکاران رژیم جمهوری اسلامی ایران نظیر سازمان فدائیان اکثریت و ترکیبی از افراد مورد نظر خود را به جنبش آزادیخواهانه مردم ایران تحمیل کنند. بلندگوهای غرب که اکنون خود را مدافع جنبش سبز قرار داده اند همان کسانی هستند که تمام اسناد شکنجه و کشتار دهه شصت را در اختیار دارند و کمترین واکنشی نسبت به آن جنایات نشان ندادند. دولتهای غربی همان مدافعان سینه چاک حقوق بشری هستند که در تابستان ۱۳۶۷ هنگامیکه خمینی دستور داد بیش از ده هزار زندانی سیاسی را طی ۴۸ ساعت در زندانهای ایران به جوخه اعدام بسپارند ، آنها بخاطر قراردادهای اقتصادی اشان بر این فاجعه انسانی چشم فرو بستند. اگر دول امپریالیستی واقعا مخالف این رژیم هستند ، نیازی به جنگ نیست ، کافی است از رژیم حاکم حمایت نکنند، اپوزیسیون حقیقی ایران و (نه عده ای جاسوس و خبرچینهای خودشان) را آزاد بگذارند. از فروش انواع سلاحها و وسایل پیشرفته الکترونیک به رژیم ایران خود داری کنند، آنوقت دنیا شاهد خواهد بود که مردم ایران طی چند ماه بساط این رژیم قرون وسطایی را بر خواهند چید.

مدافعان «نظم نوین جهانی» از یکسو خود را مخالف رژیم حاکم بر ایران معرفی می کنند ولی تبعیض هایی برای نیروهای اپوزیسیون ایران قائل شده اند که کمترین نشانی از دمکرات منشی آنها ندارد. آنها در نظر دارند مهره های رژیم را عوض کنند ولی سیستم دیکتاتوری حاکم دست نخورده باقی بماند. هم اکنون در تمام کشورهای غربی ، از آمریکا تا اروپا و از کانادا تا استرالیا و سایر کشورهایی که در این محور قرار دارند ، هرمتقاضی ایرانی پناهنده اگر به جنبش سبز مربوط باشد طی چند ماه بدون هیچ مشکلی موفق به اخذ پناهندگی ، کار و امکانات رفاهی می شود ولی اگر کسی خود را مدافع گروهها و سازمانهایی معرفی کند که طرفدار سرنگونی قهر آمیز جمهوری اسلامی هستند به چشم تروریست به آنها نگاه می شود. آزادی عمل از رهبران این قبیل سازمانها در غرب سلب شده و به بهانه های غیر موجه آنان را در تنگنا قرار داده ، هر از گاهی به اتهامات واهی آنانرا مؤاخذه می کنند. این حقایق ثابت می کند غربیها مدافع فروپاشی کامل جمهوری اسلامی ایران نیستند. آنها در نظر دارند «انقلاب مخملی» خود را در ایران به نام « انقلاب سبز» به مردم تحمیل کنند.

علی رغم نظر جانبداران غرب از رژیم جمهوری اسلامی ایران و باوجود سرکوبهای دائمی ، اما مردم ایران در صحنه مانده و جانفشانیها خواهند کرد. در شرایط کنونی هیچکس فریاد رس کارگران و زحمتکشان ایران نخواهد بود به جز اراده راسخ آنان تا سرنگونی قهر آمیز این رژیم واپسگرا و برقراری یک حکومتی واقعا دمکراتیک و آزادیخواه. تجارب بین المللی کارگران صحت آنچه را که در سرود انترناسیونال آورده شده ثابت کرده است که :

« کسی رهائی بخش ما نیست . نه خدا ، نه شاه ، نه قهرمان » بلکه این خود کارگران هستند که باید بازوان توانای خود را بکارگیرند و در یک اتحاد و همبستگی با سایر زحمتکشان ایران نظام دیکتاتوری جمهوری اسلامی ایران را سرنگون سازند.

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

یازده اردیبهشت ۱۳۸۹ - اول ماه مه ۲۰۱۰

A.C.P- Postfach 12 02 06-60115 Frankfurt am Main-Germany-Fax: 00-49-221-170 490 21 Web

Site: <http://www.iranian-fedaii.de> E-Mail: organisation@iranian-fedaii.de